

موج تظاهرات دانشجویی در چین

مدت یک ماه است تظاهرات عظیم دانشجویی در شهرهایی مختلف چین ادامه داشته است. اعتراضات دانشجویان با خواستی دموکراسی در انتخابات محلی از شانگهای آغاز شد و کم کم به هشت شهر دیگر از جمله پکن گسترش یافت. این دانشجویان معترض در طول راهپیمایی‌های خود با خواندن سرود انترناسیونال و دادن شعارهایی چون زنده باد آزادی و زنده باد دموکراسی خواستار دموکراسی بیشتر، آزادی مطبوعات و انجام هرچه سریعتر برنامه‌ی رفرم‌های دولت شدند. یکی از دانشجویان اعلام کرد ما معتقدیم که تنها رفرم‌های چهارگانه (صنعتی - کشاورزی - علوم و تکنولوژی و دفاع)، دانگ شائوپینگ آخرین امید برای انجام رفرم‌های

اکثریت مردم چین ناآگاه هستند و ما نمی‌توانیم به همه دموکراسی بدهیم! او همچنین اضافه کرد: 'دانشجویان حق تظاهرات غیر قانونی و این گونه راهپیمایی‌ها را ندارند و اگر اعتراضی دارند باید کتبا با دولت تماس بگیرند.'

به گفته‌ی برخی از مفسران به نظر می‌رسد که بر سر چگونگی انجام رفرم‌های دولتی، دو دیدگاه در حزب کمونیست چین وجود دارد. در واقع، جناحی از حزب عاملین اصلی این تظاهرات دانشجویی هستند. این عده خواهان انجام هرچه سریعتر رفرم‌اند، در حالی که عده‌ای دیگر ضمن محکوم کردن تظاهرات اعلام کردند که خواستهای دانشجویان فقط ایده‌های

همه جانبه و بالا بردن سطح زندگی مردم است و تا زمانی که به این خواسته‌ها نرسیم به تظاهرات خود همچنان ادامه خواهیم داد.

در این رابطه یکی از مقامات دولتی گفت: 'خداوند به جوانان ما اجازه‌ی اشتباه کردن می‌دهد، ما هم وقتی که جوان بودیم از این کارها می‌کردیم. اما

بورژوازی غربی است و ربطی به کمونیسم ندارد. علی‌رغم دستگیری صدها تن از تظاهرکنندگان و اعلام قوانین جدید مبنی بر ۵ سال حبس در صورت شرکت در این تظاهرات و تهدیدات مکرر، کلیهی دانشجویان دستگیر شده در سوم ژانویه از زندان آزاد شدند. این تظاهرات دانشجویی کماکان ادامه دارد. □



اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته

دربریل با موفقیت برگزار شد

بنا به دعوت دو اتحادیه‌ی بزرگ کارگران برزیل، 'کنفدراسیون کارگران' و 'کنفدراسیون عمومی کارگران' و با پیوستن ۹ اتحادیه‌ی کارگری دیگر در روز ۱۲ دسامبر کارگران مبارز برزیل دست به یک اعتصاب عمومی یک روزه زدند. این حرکت موفقیت آمیز که پس از ۲۱ سال دیکتاتوری نظامی حاکم در این کشور یکی از شکوهمندترین حرکت‌های کارگری بود، موفق به تعطیل کشاندن اکثر کارخانه‌ها، ادارات دولتی، حمل و نقل عمومی و بخش بزرگی از واحدهای خدماتی گردید.

این اعتصاب در اعتراض به سیاست جدید اقتصادی دولت 'خوزه سارنی' که از روز ۲۱ نوامبر سال گذشته به اجرا گذاشته شده، صورت گرفت. با به اجرا گذاشتن سیاست مذکور بهای اکثر کالاهای مصرفی زحمتکشان بین ۶۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش یافت و بسیاری از واحدهای صنعتی تعداد کثیری از کارگران خود را از کار برکنار کردند.

دو اتحادیه‌ی کارگری فوق با مشاهدی وضع موجود و نارضایتی وسیع توده‌های زحمتکش برای اولین بار در تاریخ دو دهی اخیر مبارزات کارگری این کشور مشترکا اعتصاب عمومی ۲۴ ساعته‌ای را فرا خواندند. لازم به یادآوری است که دولت برزیل به خاطر بدهی سرسام‌آور خود به مبلغ ۱۰۸/۶ میلیارد دلار به بانکهای جهانی، در ماه‌های اخیر از جانب موسسه‌ی پول بین‌المللی (IMF) تهدید به قطع وام‌های جدید شده است. در حقیقت سیاست جدید اقتصادی ارائه شده از جانب دولت سارنی به منظور جلب حمایت و اعتماد این موسسات سرمایه‌ای نسبت به دولت جدید این کشور است.

اعتصاب در کلیهی نقاط صنعتی

نظامیان سرکوبگر آرژانتین عفو می‌شوند

تن از مادران زندانیان مفقود شده در دوران دیکتاتوری در مقابل ساختمان مجمع ملی، که سالها صحنه اعتراضات و تحصن این مادران بود، دست به تظاهرات زدند. پلیس فاشیستی آرژانتین با زور نیزه و سرکوب ساعتی بعد مادران را از این منطقه بیرون راند و مجمع ملی با

در اواسط ماه دسامبر، آلفونسین، رئیس جمهور آرژانتین لایحه‌ای مبنی بر قطع پیگیری و محاکمه نظامیان مسئول که در طی دیکتاتوری سالهای ۸۳ - ۷۶ در کشتار و ناپدید شدن بیش از ۱۰/۰۰۰ تن از انقلابیون و مردم زحمتکش آرژانتین دست داشته‌اند، به مجمع ملی این کشور



مادران زندانیان مفقود شده در مقابل ساختمان مجمع ملی آرژانتین دست به تظاهرات می‌زنند

خیالی آسوده، لایحه مذکور را به تصویب ارائه داد.

آلفونسین که قبل از انتخابات سال ۱۹۸۳ با وعده مجازات و محاکمه مسئولان جنایتهای دوری دیکتاتوری به مقام ریاست جمهوری رسیده بود، بار دیگر ماهیت فریبکارانهی بورژوازی حاکم در این کشور و خوش خدمتی دولت خویش را به مقامات ارتشی به نمایش گذارد. □

بنابر مفاد این لایحه، دادگاههای این کشور تنها به موردهایی رسیدگی خواهند کرد که تا آخر ماه ژانویه سال جاری به مقامات قضایی ارجاع گردد. همچنین از ۶۰ روز بعد از تصویب این لایحه تمام مقامات ارتشی و پلیسی این کشور از هر گونه بازجویی و پیگیری قانونی مصون خواهند بود. به دنبال تسلیم این لایحه به مجمع ملی در روز سه شنبه ۲۳ دسامبر، صدها

کارخانجات تجمع کنند. کارگران در محل تجمع خود پلاکاردهایی را که حاکی از اعتصاب و خواستهای آنان بود به نمایش گذاشتند. □

کارگران، به علت قوانین جدید برای محدودیت اعتصاب، مجبور شدند صبح روز اعتصاب را در محل سندیکا با خواندن سرودهای مترقی بگذرانند و تنها در نیمروز مقابل ساختمان مرکزی

برزیل با موفقیت کامل برگزار شد. کارگران مبارز در مناطق مختلف، با برگزاری راهپیمایی و تحصن مقابل ساختمانهای دولتی فعالیت روزمری شهرها را به طور کامل فلج کردند و قدرت بیکران خود را به نمایش گذاردند.

در بسیاری از مناطق، بخشی از پرسنل ارتش و پلیس برای مقابله با اعتصاب کارگران مسئولیت رفت و آمد وسایل نقلیه را به عهده گرفتند که با مخالفت شدید کارگران این بخش روبرو شدند. طی برخوردهای تظاهرکنندگان با واحدهای انتظامی، صدها تن از اعتصابیون دستگیر شدند.

بیش از ۲۰۰۰ کارگر

در ترکیه دست به اعتصاب زدند

کارگران مجموعه کارخانههای تولید کننده وسایل مخابراتی به طور همزمان در شهرهای استانبول، آنکارا و ازمیر از روز ۱۹ نوامبر دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب بزرگ ترین حرکت اعتراضی کارگران ترکیه بعد از کودتای سال ۱۹۸۰ در این کشور است. به گفتنی مسئولین سندیکای اتومبیلش، که رهبری این حرکت را به عهده دارد، ۲۶۵۰ کارگر در این اعتصاب شرکت کردند. با اعتصاب کارگران کلیهی بخشهای تولید این کارخانها به حالت تعطیل در آمد. بنابر اخبار موجود خواستهای کارگران، افزایش سطح دستمزدها و مشخص شدن نوع رابطه و حل مسایلشان با بخش اداری موسسه است.

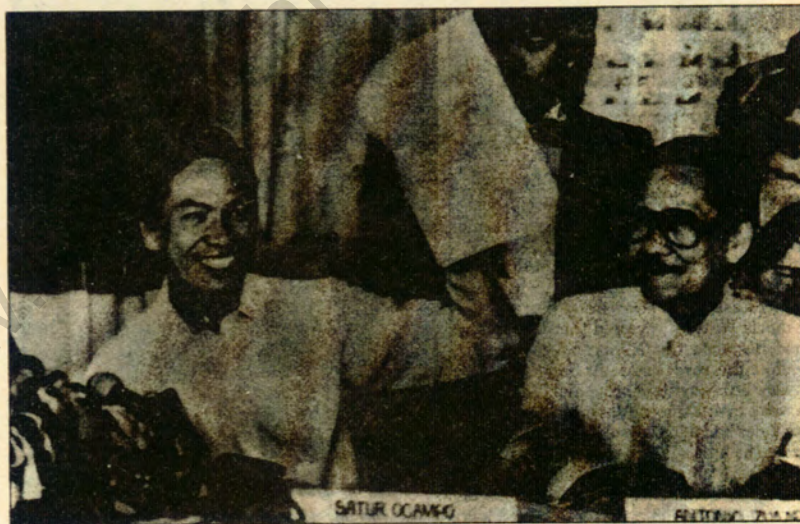
سهام این کارخانها که به نام نورثن الکتریک تله کامیونیکیشن (N.E.T.) ثبت شده است، ۴۹ درصد متعلق به شرکت پست، تلگراف و تلفن، ۱۵ درصد متعلق به نیروی دریایی ترکیه و ۳۱ درصد متعلق به یک سرمایه دار کانادایی است.

چریکهای فیلیپین خواهان برچینی پایگاههای نظامی آمریکا شدند

به دنبال مذاکرات طولانی دولت آکینو با نمایندگان جبهه دموکراتیک خلق، بالاخره آتش بس دو ماهه‌ای بین دو طرف از دهم دسامبر آغاز شد. با آغاز آتش بس، نمایندگان چریکها، با تحویل سلاحهای خود برای شرکت در مذاکرات صلح اعلام آمادگی کردند. اما بعد از گذشت چند روز منابع خبری غرب گزارش دادند که چریکها با انجام راهپیمایی مسلحانه در چند شهر و حمله به یکی از پایگاههای نظامی در مرکز فیلیپین آتش بس را نقض کرده‌اند. با این حال به نظر می‌رسد که مذاکرات صلح بین نمایندگان جبهه دموکراتیک خلق و دولت آکینو ادامه دارد. چریکها در آخرین نشست خود با دولت اعلام کردند که آنان

خواهان ایجاد یک دولت ائتلافی موقت، و برچینی پایگاههای نظامی آمریکا در فیلیپین‌اند. دولت آکینو در جواب به خواستهای جبهه دموکراتیک خلق اعلام کرد که این پیش شرطها غیر منطقی و غیر عملی‌اند و مورد قبول دولت نخواهد بود. در حال حاضر مذاکرات برای صلح همچنان ادامه دارد.

همچنین طبق مذاکراتی که در عربستان سعودی بین دولت آکینو و جبهه آزادیبخش مورو (جنبش اسلامی فیلیپین) صورت گرفت، این جبهه از خواستهای خود مبنی بر ایجاد دولت مستقل، چشم پوشی کرده و حاضر به قبول طرح پیشنهادی خودمختاری دولت آکینو شد. □



دو تن از اعضای هیات جبهه دموکراتیک خلق مسئول مذاکره با دولت آکینو

تظاهرات علیه

رهبری جدید حزب در قزاقستان

در پی درگیری تظاهراتی در شهر 'آلما - آتا' پایتخت جمهوری قزاقستان شوروی، خبرگزاری تاس روز ۲۵ دسامبر اعلام کرد که دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی این تظاهرات را شدیداً محکوم کرده است.

تاس، این تظاهرات را که در روزهای ۱۷ و ۱۸ دسامبر به دنبال گزینش 'کناری کوبلین' به جای 'دین محمد کونایف' دبیر کل سابق حزب کمونیست جمهوری قزاقستان انجام گرفت، تظاهراتی 'ناسیونالیستی' خواند. همین گزارش حاکی از آن است که تظاهر کنندگان، که اکثراً دانشجوی بودند، تعدادی اتومبیل و یک فروشگاه مواد غذایی را در این شهر به آتش کشیده، با پلیس درگیر شده‌اند.

پراودا در مورد کونایف نوشت که در ۱۸ سال دوری زمام داری او، فساد و رکود اقتصادی در قزاقستان شدیداً اوج گرفته بود. کناری کوبلین دبیر کل جدید حزب در قزاقستان که ملیت روس دارد، سابقاً سمت معاون دوم حزب کمونیست گرجستان را عهده‌دار بود. □

نشریه

کاد

اورگان

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

را بخوانید

رفتگران آتن دست به اعتصاب زدند

حرکت دولت مورد خشم بیش از حد کارگران رفتگر قرار گرفت و درگیریهای شدیدی را بین آنان و ارتشها به وجود آورد. بنابر آخرین اخبار رسیده در اثر این درگیریها ۱۹ تن دستگیر و ۵ نفر زخمی شده‌اند. □

در اواسط ماه دسامبر ۸۶، رفتگران شهر آتن دست به اعتصاب گسترده‌ای زدند. دولت پاپاندروس برای درهم شکستن این اعتصاب از ارتش برای جمع آوری زبالهای شهر کمک گرفت. این

مقاومت متشکل مبارزان فلسطینی

توطئه سوریه - امل را به شکست می‌کشاند



و یا به طور غیرمستقیم از سیاستهای آن در قبال فلسطینیها دفاع می‌کردند، به رهنمود جمهوری اسلامی اعلام بیطرفی کرده و خواستار آتشبس فوری شدند. جمهوری اسلامی نیز مستقیماً وارد معرکه شده، یک طرح صلح ۹ ماده‌ای را از طرف ایادی خود به طرفین پیشنهاد کرد. امل ضمن قدردانی از 'سیاست مثبت جمهوری اسلامی' عنوان ساخت که اگر ماده‌ای مبنی بر خلع سلاح فلسطینیها در طرح مزبور گنجانده شود جزئیات این طرح کاملاً مورد توافق این جریان است.

از دیگر مواد طرح مزبور، تخلیه مغدوشه از سوی نیروهای فلسطینی و ختم محاصره اردوگاههای رشیدیه، شتیلا و برج‌البراجنه توسط امل، و سپردن مناطق تحت نفوذ نیروهای فلسطینی در جنوب لبنان به نیروهای حزب الله بود. پس از تغییراتی این طرح مورد توافق طرفین قرار گرفت ولی هیچگاه به مورد اجرا گذاشته نشد.

پس از شکست این طرح، رژیم جمهوری اسلامی به منظور حفظ موقعیت سیاسی خود در منطقه و بهره‌گیری از تشنجات موجود مجدداً حرکتهایی را برای ایجاد آتشبس آغاز کرد. خامنه‌ای طی نطقی در ۲۷ دسامبر خواهان قطع فوری

در بیروت مبارزان فلسطینی با استفاده از آتشبار سنگین و آرپی‌چی حملات تویخانی سنگین امل را پاسخ گفتند. بنا بر گزارش منابع خبری، در اثر این حملات از اردوگاه بزرگ شتیلا تنها ۱۵ منزل در قسمت مرکزی این محله، قایم سکنی باقی مانده است. قایم ذکر است که در آغاز دور جدید درگیریها ۳۰۰۰ پناهنده فلسطینی در این مکان سکنی داشتند.

در اثر دفاع دلیرانه نیروهای فلسطینی از اردوگاه رشیدیه ارتجاعیون امل، مجبوره عقب نشینی از مناطق تحت نفوذ خود شدند. شکستهای پی‌درپی امل، در طول ماه دسامبر در جنوب لبنان باعث شد که دهکده مغدوشه واقع در ارتفاعات استراتژیک جنوب شرقی صیدا به کنترل نیروهای فلسطینی درآید و همچنین منطقه‌ای به وسعت ۱۵ کیلومتر مربع، در مجاورت اردوگاه رشیدیه، به منطقه آزاد شده تبدیل شود.

به دنبال شکستهای مقتضحانه امل، در جنگی که سوریه امیدهای فراوانی بدان بسته بود، متحدین این جریان برای ایجاد یک آتشبس فوری به تکیه افتادند. ابتدا نیروهای حزب الله، که تا به حال، یا مستقیماً در تجاوزات امل شرکت داشتند

مدت سه ماه از آغاز جنگ ارتجاعی نیروهای شیعیان امل، علیه اردوگاههای پناهندگان فلسطینی در سراسر لبنان می‌گذرد. در این مدت بنا بر تخمین منابع خبری غرب بیش از ۱۰۰۰ تن از طرفین کشته و تعداد بسیار زیادی مجروح شده‌اند. جنگ اخیر که از تاریخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶ با حملات نیروهای امل، به اردوگاه رشیدیه در جنوب لبنان آغاز شد، در مدت کوتاهی دیگر اردوگاههای فلسطینیها در بیروت را نیز دربرگرفت. آغاز جنگ از سوی امل و موافقت مقامات سوریه در پی سیاست دراز مدت سوریه برای تثبیت موقعیت این دولت به عنوان جناح تعیین کننده در آینده سیاسی لبنان و تضعیف نیروی سازمان آزادیبخش فلسطین صورت گرفت. امل پیامد این درگیریها در ماههای گذشته نتیجه‌ای کاملاً عکس انتظارات دولت حافظ اسد را به بار آورده است. قصد سوریه از حرکتهای اخیر شکست نظامی نیروهای سازمان آزادیبخش فلسطین، به خصوص جناح عرفات، در لبنان و سپردن مناطق تحت کنترل آنها به نظامیان امل، بود. به همین منظور دولت دمشق از مدتها قبل، نیروهای امل را به سلاحهای سنگین مجهز ساخت. از جمله سلاحهایی که سوریه اخیراً در اختیار امل گذاشته است، تانکهای T۵۴ ساخت شوروی و توپهای سنگین ۱۵۵ میلیمتری هویتزر را می‌توان نام برد. در طی دو سال گذشته این سومین بار است که امل جنگی علیه پناهندگان فلسطینی به راه می‌اندازد، اما نخستین بار است که این جریان با چنین سلاحهایی به اردوگاهها حمله‌ور می‌شود.

به دنبال آغاز حملات امل، نیروهای مسلح فلسطینی مستقر در اردوگاهها، دست به یک مقاومت قهرمانانه زدند. طی سه ماه مبارزه برای حفاظت از اردوگاهها جناحهای مختلف درون سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) با ایجاد اتحاد عملیاتی موفق شدند برتری تسلیحاتی امل را خنثی کرده، آنرا مجبور به عقب نشینی از بسیاری از مواضعش کنند.



مرتجعین امل با تانک به اردوگاه رشیدیه (متعلق به پناهندگان فلسطینی) حمله‌ور شدند

می‌یافت، در آن صورت جناح عرفات ادعا می‌کرد که مبارزه مسلحانه به عنوان 'تنها راه حل' عملی نبوده و به خصوص هنگامی که نیروهای مسلم لبنان و سوریه سلاحهای خود را متوجه فلسطینیا کرده‌اند، ادامی این سیاست نتیجه‌ای به جز تضعیف هرچه بیشتر جنبش فلسطین نخواهد داشت. بدین ترتیب استدلال این جریان این می‌بود که خلق فلسطین چاره‌ای جز شناسایی طرح صلح آمریکا و کوشش برای همکاری در چارچوب آن نخواهد داشت (همچنان که در چند سال اخیر این جناح گرایش شدیدی به این سو نشان داده است).

به هر حال، علیرغم پیروزی شخصی عرفات در نتیجهی درگیریهای اخیر و تقویت موقعیت الفتح در درون ساف، پیروزیهایی نصیب جنبش انقلابی خلق فلسطین نیز شده است.

مهمترین پیامد درگیریهای اخیر انسجام و نزدیکی هر چه بیشتر جناحهای مختلف درون ساف در جریان دفاع از اردوگاهها است. از جمله این اتحادها، نزدیکی بین الفتح و جبهی خلق برای آزادی فلسطین (نگاه کنید به جهان ۴۸) و جبهی آزادی ملی فلسطین را می‌توان نام برد. این دو جریان که هر دو مرکزیت‌شان در دمشق بود و روابط

سرد شدن روابط امین جمایل رئیس‌جمهور لبنان با حافظ اسد در سال گذشته، توافقی بین جمایل و عرفات بر سر بازگشت نیروهای ساف به لبنان صورت پذیرفته است. منایم خبری غرب معتقدند که نیروهای ساف از طریق بندر جونیه که تحت کنترل فالانژیست‌هاست به لبنان وارد می‌شوند.

الفتح در طی یک سال گذشته همچنین موفق شده امکانات مالی و نظامی وسیعی را به داخل پناهگاهها برساند. این امر باعث تقویت پایگاه توده‌ای این سازمان و محبوبیت عرفات در میان اهالی اردوگاهها شده است.

البته قابل ذکر است که عرفات و جناح راست ساف از ابتدای درگیریها علیرغم پیامد آنها نتیجه را به نفع موقعیت خود ارزیابی می‌کردند. ارزیابی این جناح این بود که اگر نیروهای ساف قادر شوند با موفقیت از اردوگاهها دفاع کنند، (همچنان که اتفاق افتاد) موقعیت این سازمان در قبال آمریکا و دولتهای ارتجاعی عرب تقویت شده و نقش عرفات را به عنوان مهره‌ای مهم در مذاکرات و طرحهای صلح در آینده تثبیت خواهد کرد. اما اگر دفاع از اردوگاهها به شکست می‌انجامید و یا جنگ بدون حل قطعی همچنان به شکل فرسایشی ادامه

درگیرها شد و در همین رابطه سفارت ایران در بیروت از اما درخواست کرد به خاطر فرارسیدن سال جدید مسیحی 'به دلایل انسانی' از محاصره اردوگاهها دست بردارد. در همین رابطه یکی از مزدوران رژیم به نام عیسی طباطبایی که مدت سه هفته بود در رشیدیه بست نشسته بود اعلام داشت که تا رسیدن به یک راه حل قطعی این محل را ترک نخواهد کرد.

به دنبال این ظاهرسازیها، نییبری رهبر اما به طور کاملاً قابل پیش‌بینی روز ۲۹ دسامبر اعلام داشت که به احترام درخواست رئیس‌جمهور ایران و سوریه و به خاطر 'نیت خیر' به نیروهای خود دستور داده است که آتشس کاملاً را فوراً به مورد اجرا گذارند.

اما علیرغم این ادعاها، برخوردهای پراکنده در اطراف اردوگاهها همچنان ادامه پیدا کرد.

آنچه که شایان توجه است آنست که نیروهای فلسطینی موفق شده‌اند که بسیاری از افراد مسلح خود را که در پی اشغال لبنان توسط ارتش اسراییل در سال ۱۹۸۲ مجبور به ترک این کشور شدند، در این مدت به لبنان بازگردانند. این مساله به خصوص در مورد نیروهای الفتح صدق می‌کند. گفته می‌شود که به دنبال

نزدیکی با دولت سوریه داشتند، اخیراً سیاست این کشور در قبال جنبش فلسطین را مورد انتقاد قرار داده و برای دفاع از اردوگاهها با الفتح وارد ائتلاف شده‌اند. همچنین رهبران ساف روز یکشنبه ۵ ژانویه نشست فوق‌العاده‌ای را برای مدت دو روز در بغداد آغاز کردند. انتظار می‌رود که در این نشست همکاریهای نزدیکتر بین نیروهای فلسطینی به منظور دفاع از اردوگاهها و انجام عملیات مسلحانه درون مرزهای اسراییل از نکات عمده مورد گفتگو باشد.

پیامد مهم دیگر این درگیریها تضعیف موقعیت سوریه به عنوان یکی از جناحهای عمده درگیر در مسایله لبنان بود. شکستهای پی‌درپی امل در جنگ علیه نیروهای فلسطینی در جنوب لبنان و شکل گرفتن اتحاد عملی بین نیروهای فلسطینی از یک سو، و برخی نیروهای مرفی لبنان، چون سوسیالیستهای ترقیخواه دروزی از سوی دیگر، باعث کاهش اعتبار سیاسی سوریه و عمالش (چون امل) شده است. همچنین سوریه به خاطر تحریکاتش برای شروع این درگیریها بسیاری از



کشته‌شدگان امل در دهکده‌ی مغدوشه

متحدین فلسطینی خود را از دست داده است. ائتلاف نیروهای جبهه‌ی خلق برای آزادی فلسطین و جبهه‌ی آزادی ملی فلسطین با جناح عرفات، ضربه‌ی جدی‌ای به سیاست دولت اسد، مبنی بر تضعیف

این جناح، است.

شکستهای امل، در درگیریهای اخیر، انسجام درونی خود این سازمان را نیز به خطر انداخته است. گفته می‌شود که جنگ قدرتی بین نییهری، رهبر کنونی امل، و مصطفی دیرهانی مسئول امنیتی این سازمان که توسط جمهوری اسلامی پشتیبانی می‌شود در جریان است.

نکته‌ی قابل توجه دیگر موضع‌گیری نیروهای مرفی لبنان در مورد حملات امل و شرایط صلحی که از سوی این جریان اعلام شده، است. این نیروها متفقاً موضع امل مبنی بر خلع سلاح اردوگاههای فلسطینی را محکوم کرده‌اند. در این میان حزب کمونیست لبنان موضع بسیار خطرناکی گرفته است. این حزب ضمن رد کردن خواست خلع سلاح فلسطینیها، متقابلاً نیروهای فلسطینی را نیز به خاطر عملی نشدن طرح صلح موجود (طرحی که طراح آن جمهوری اسلامی و تایید کنندگانش سوریه و لیبی‌اند) محکوم کرده است. رهبر این حزب پس از ملاقاتی با عبدالحمید خدام، معاون رئیس‌جمهور سوریه و برخی نیروهای لبنانی در ماه گذشته اظهار داشت که هر بار که طرح صلح می‌رود تا به مورد اجرا گذاشته شود نیروهای فلسطینی اشکالات جدیدی را ایجاد می‌کنند. این حزب از نیروهای فلسطینی خواسته که از مواضع تحت کنترل خود عقب نشینی کنند و نیروهای خود را به درون اردوگاهها محدود سازند. حزب کمونیست همچنین معتقد است که 'مبارزه‌ی مسلحانه‌ی فلسطینیها باید تحت رهبری نیروهای مرفی کشوری که در آن حضور دارند انجام پذیرد'.

به نظر می‌رسد که دولت شوروی نیز راغب به اعمال نفوذ بیشتر در جلوگیری از ماجراجوییهای دولت اسد در صحنه‌ی سیاست لبنان، نیست. شوروی شاید تنها نیرویی باشد که بتواند سوریه را برای تغییر سیاستش در قبال جنبش فلسطین و رابطه‌اش با امل، تحت فشار جدی قرار دهد.

● ● ● بازتاب بر ملاشدن روابط پنهانی

رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم آمریکا

موضعگیری نموده و دائماً مسئله سازی می‌نماید... ارگان رسمی این جریان انحرافی روزنامه‌ای بنام رسالت که رسالتش القای اندیشه‌های مغایر اندیشه‌های امام... رسالت تفرقه و جدا نمودن امت از امام و احیای بیش لیبرالیسم با رنگ دینی... و ایجاد زمینه اعتقادی مناسب برای غارت مردم بوسیله دنیاپرستان و پول پرستان / است... ما می‌دانیم که حزب‌الله تکلیف خود را با این جریان تعیین خواهد نمود و این جریان نیز مانند جریان لیبرالها و بنی صدر بوسیله امت حزب‌الله منزوی خواهد شد. (روزنامه‌ی ج.ا.، ۵ آذر)

گردانندگان روزنامه‌ی رسالت نیز به حمله‌ای متقابل می‌پردازند. آنان از دستگیری مهدی هاشمی بی‌اندازه ابراز مسرت می‌کنند و مقالات متعددی را در تایید دستگیری او به چاپ می‌رسانند. آنان در عین حال جناح مقابل را متهم می‌کنند که مسالهی دستگیری مهدی هاشمی را کم اهمیت جلوه می‌دهد. برای نمونه روزنامه‌ی رسالت در شماره‌ی ۲۶ آذر خود در جواب به خلغالی می‌نویسد:

۱۰۰٪ او به رسالت حمله می‌کند که چرا در رابطه با جریان انحرافی و خطرناک مهدی هاشمی و گروهش مطلبی نوشته می‌شود. راستی جریان چیست؟ راستی این هجمه به رسالت و دیگران برای تحت‌الشعاع قرار دادن مسائل گروه مهدی هاشمی نیست؟

آیت‌الله آذری قمی، نماینده قم و گرداننده اصلی روزنامه‌ی رسالت، در نطق قبل از دستور ۲۷ آذر به دفاع از جناح خود پرداخته و می‌گوید:

اگر طرفداری از مالکیت اسلام و احکام دیگر اسلام طرفداری از سرمایه‌داری محسوب می‌شود، پیغمبر

آمریکا

نیویورک - هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در نیویورک، جلسی سخنرانی رجایی خراسانی، نمایندهی دائمی جمهوری اسلامی در سازمان ملل را، به صحنی افشاگرهای خود علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی تبدیل کردند.

در روز ۱۸ نوامبر ۱۹۸۶، از سوی دانشکدهی روابط بینالمللی در دانشگاه نیویورک، جلسی بحثی با عنوان 'جنگ ایران و عراق - جدیدترین ارزیابی' برگزار شد که در آن رجایی خراسانی به عنوان تنها سخنران دعوت شده بود. او که از ۳ سال پیش در هیچ برنامهی عمومی ظاهر نمیشد و معمولاً در مسجد نیویورک به وعظ می‌نشست، این بار با قید شرایطی چون رعایت اقدامات امنیتی و عدم حضور خبرنگاران، دعوت برگزارکنندگان را قبول کرده بود. اما علیرغم اقدامات امنیتی شدید، و تهدید پلیس در سالن جلسه، هواداران سازمان از همان آغاز با افشای رژیم و سیاستهای ضد انقلابیاش، سخنرانی او را مختل کردند. به طوری که پلیس درصدد دستگیری رفقای هوادار سازمان برآمد ولی با مقابله و هوشیاری آنان موفق به این کار نشد. دخالت پلیس به همراه افشاگرهای مداوم و کوبندهی هواداران و همچنین چند تن دیگر از ایرانیان مرفقی که گاه با ایراد سخنرانی و گاه با فریاد شعارها سخنرانی رجایی خراسانی را غیر عملی ساخته بودند، او را آشکارا برآشفته کرد. به طوری که دیوانهوار به هذیان گویی و لهانت متوسل شد. دروغهای آشکار و رفتار ناپسند رجایی خراسانی تنها تفسیر حاضرین را برانگیخت. شرکت کنندگان از افشاگرهای منظم هواداران سازمان و جزوات انگلیسی آنان استقبال کردند، و به گفت و گو با آنان پرداختند. رجایی خراسانی که دیگر کاملاً به ستوه آمده بود و عرصه را تنگ و تنگ تر می‌دید، در میان خیل محافظان حزب الهیاش از درب عقب ساختمان فرار کرد.

گفتنی است که ۳ سال پیش نیز، هواداران سازمان و دیگر عناصر مرفقی، از برگزاری سخنرانی همین مزدور در کالج بروکلین جلوگیری کرده، گردهمایی را به محلی برای محکوم کردن رژیم بدل ساخته بودند.

خبر اقدام افشاگرانی هواداران سازمان و به هم خوردن سخنرانی رجایی خراسانی، روز بعد در روزنامهی Washington Village بازتاب

انگلستان

لندن - سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان، اسکاتلند و ولز چهارمین نشست سراسری خود را در روزهای ۲۱ و ۲۲ دسامبر سال ۸۶ در لندن برگزار کرد.

در این نشست پس از ارزیابی از فعالتهای سال گذشته، برنامهی جدیدی به منظور هماهنگ کردن فعالتهای سراسری تشکل هواداری در انگلستان، اسکاتلند و ولز مورد بحث قرار گرفت. رفقای شرکت کننده بر لزوم فعالیت بیشتر و هرچه خلق تر هواداران سازمان، در ارتباط تنگاتنگ با برنامهها و احتیاجات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در خارج از کشور تاکید

آلمان غربی

سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، در روزهای ۱۰ و ۱۱ ژانویه ۸۷، یک سمینار فرهنگی درونی برگزار کرد. در بخش اول سمینار شرکت کنندگان به بحث پیرامون ارزیابی از موقعیت کنونی ایران پرداختند و در بخش دوم سازمان هوادار در خارج از کشور و وظایف آن مورد بحث قرار

یافت. حرکت مبارزاتی هواداران سازمان در نیویورک مشت محکم دیگری بود بر پوزی مزدوران رژیم. باشد که آنان بدانند در هیچ کجا از خشم انقلابی هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در امان نخواهند بود.



تمهی - در تاریخ ۵ دسامبر انجمن دانشجویان ایرانی در تمهی آریزونا هوادار سجعفا جلسهی در مورد ارسال اسلحه از طرف آمریکا به جمهوری اسلامی برگزار کردند. در این جلسه یکی از رفقا پس از ارائه یک گزارش مفصل در مورد ارسال اسلحه و افشاکری در مورد جنایات رژیم خمینی و حمایت پشت پردهی دولت ریگان از رژیم به سئوالات حاضران پاسخ گفت. قابل تذکر است که در همین رابطه از طرف انجمن مقالاتی در روزنامهی دانشگاه ایالتی آریزونا چاپ شد، همچنین یک مقاله برای روزنامهی شهر تمهی ارسال شد.

در تاریخ ۱۷ دسامبر نیز ایستگاه رادیویی KATR که پرسنودنترین ایستگاه

کردند. در بخش دیگری، نشست به بحث پیرامون نشریهی جهان و پیشنهادهای مختلف به منظور هرچه پربارتر کردن ارگان هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با کمک هواداران سازمان در کشورهای مختلف پرداخت. در پایان نشست، برنامهای به منظور گسترش تبلیغ مواضع سازمان در بین نبروها و سازمانهای چپ انگلستان، اسکاتلند و ولز و ایرلند به تصویب رسید. در همین رابطه طرحی در مورد افشای هرچه بیشتر رژیم جمهوری اسلامی و فعالیت تشکل هواداری در کمیتهی ضد اختناق در ایران، مورد بحث قرار گرفت.

گرفت. در قسمت آخر این سمینار به سئوالات شرکت کنندگان پیرامون مواضع و سیاستهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پاسخ داده شد.

علاوه بر هواداران سازمان متشکل در سازمان دانشجویان ایرانی، تعداد زیادی از پناهندگان هوادار که در شهرهای مختلف آلمان اقامت دارند، در این سمینار شرکت کردند.

رادیویی ایالت آریزونا است، مصاحبهای به مدت دو ساعت با یکی از رفقای هوادار انجام داد. در این مصاحبه رفیق هوادار سازمان پیرامون مسالهی ارسال اسلحه به افشاکری رژیم پرداخت.



تمهی - به دنبال افشای معاملات اسلحه بین جمهوری اسلامی و دولت آمریکا، انجمن دانشجویان ایرانی در تمهی آریزونا هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در روزهای شنبه ۲۹ نوامبر و یکشنبه ۳۰ نوامبر، بر سر تقاطعهای شلوغ و در اطراف مراکز خرید در شهر، اقدام به پخش اعلامیه کردند.

رفقای هوادار با نصب پلاکاردهایی با شعارهای، سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق، مرگ بر خمینی چنایتکار، از ارسال اسلحه جلوگیری کنید و پخش بیش از ۱۵۰۰ اعلامیه، به افشاکری در سطح وسیع پرداختند. این اکسیونها، که هر یک به مدت ۲ ساعت ادامه داشت، مورد حمایت وسیع مردم شهر قرار گرفت.

**انقلابی را که می‌خوانید،
رفقای هوادار سازمان در کانادا
به مناسبت چهل و پنجمین سال
تشکیل حزب ضد انقلابی توده منتشر
گرداند.**

۴۵ سال خیانت

به طبقه کارگر و زحمتکشان

برحزب ضد توده

مبارک باد!

۴۵ سال از گردهم‌آیی دسته‌ای
روشنفکر خردمپورزوا و تشکیل 'حزبی'
'مخالف مرام اشتراکی' و 'منکر مخالفت
با حکومت مشروطی سلطنتی' می‌گذرد.
۴۵ سال مآضات. ۴۵ سال تحمیق تودها
، ۴۵ سال دریوزگی و چاپلوسی در آستان
حکومت‌های وقت و ۴۵ سال لیس زدن پای
حکام وقت و دم تکان دادن برای آنها و
هر بار خوردن یک اردنگی و پرت شدن
به گوشه‌ای و خفه کردن زوزه‌های ناشی‌از
عدم حق شناسی در حلقوم و پس از آن
ناامید از دریافت محبتی و عفوئی مجدد
و نشان دادن دندانها و پارسى
مجدد. این است سیکا، تهوع‌آور و مکرر
'حزب' در طی این ۴۵ سال.

آری! امروز حزب خائن به توده
پس از خوردن اردنگی از رژیم جمهوری
اسلامی ملیس به هیأت 'مخالفین رژیم' و
مزین به مدال‌های حمایت از حکومت قوام،
پابوسی شاه جوان معدوم و پیروی 'صدیق
از خط امام' بر سینه که آخری تلالو و
درخششی خاص بر سینهی وی دارد،
میرود تا ۴۵ شمعه خیانت کبک تولد خود
را با فوتی خاموش کند و کبک وار آنان

را به دست فراموشی سپارد:

شمع بانی دموکراسی و مبارزه ضد
استعمار خواندن قوام این جاسوس دست
پرورده انگلیس؛

شمع به سازش و شکست کشاندن
مبارزات عظیم کارگران نفت جنوب به
قیمت دریافت دو کرسی نمایندگی در
مجلس قوام؛

شمع ارزیابی کردن کشتار خلق
تبریز و قتل عام بقایای فرقهی دموکرات
توسط ارتش مزدور شاه به عنوان یک
عقب نشینی سودمند؛

شمع مزدور امپریالیسم خواندن
مصدق؛

شمع عدم جلوگیری و خنثی سازی
کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۳۲ علی
رغم آگاهی از آن و داشتن سازمانی
نظامی قوی به رهبری کیانوری به عنوان
ابزار این خنثی سازی؛

شمع حمایت از 'انقلاب' سفید و
طرح‌های به اصطلاح عمرانی شاه در سال ۴۲
به قیمت خانه خرابی و سهم تودهای
روستایی و فقر و فلاکت آوارگان روستایی
به شهرها؛

شمع حمایت از سیاست شاه به
عنوان سیاستی به طور نسبی 'مثبت' در
سال ۵۱ در رابطه با تجاوزات بهین‌المللی
امپریالیسم در خاورمیانه... این ژاندارم
امپریالیسم در منطقه و جلاذ خلق قفقاز؛
شمع منسوب کردن قیام تبریز در
سال ۵۶ به مشتی ارازل و اوپاش و
ساواکی؛

شمع ...

شمع ...

آیا حزب توده با خاموش ساختن
این شمع‌ها به یمن ملیس شدن به هیأت
'مخالفین رژیم' چیزی که در گذشته
مکررا تکرار شده می‌تواند آنها را
فراموش شده پندارد؟ اگر حزب ضد توده
می‌پندارد که نسل جدید خیانت‌های پرچستنی
وی در سال‌های دور یعنی از بدو تاسیس
تا جمهوری اسلامی را به دست فراموشی
سپرده‌اند!! آیا حداقل می‌تواند خدمات
شایانش به جمهوری اسلامی را از کارنامی

'زربین‌اش' پاک سازد؟!'

چه کسی می‌تواند فراموش کند که
حزب خائن به تودها و شرکای خائن
اکثریتی (هر دو جناح) این مدافعین
صدیق خط امام که مدعی بودند طرفداری
آنها از خط امام خمینی مقطعی و تاکتیکی
نیست بلکه یک طرفداری طولانی و
استراتژیکی است، در هر لباسی نیروهای
مبارز و انقلابی را شناسایی و به رژیم
معرفی کرده و در نتیجه آنان را به
قتلگاه رژیم جمهوری اسلامی می‌فرستادند و
بدین وسيله دست خویش را به خون آنان
آغشته می‌ساختند تا پروانی کسب خویش
را کمافی‌السابق معتبر نگاهدارند؟ چه
کسی می‌تواند فراموش کند که در حالی که
آوازهی استقامت و پایداری مبارزین و
انقلابیون در شکنجه‌گاه‌ها و زندان‌های قرون
وسطایی رژیم جمهوری اسلامی گوش جهانیان
را کر کرده بود، حزب ضد توده و
شرکای اکثریتی (هر دو جناح) منکر شکنجه
و به طور کلی زندانی سیاسی بودند و با
نهی زدن به انقلابیون افشاگر برای
مجبرگویی به درگاه رژیم جمهوری اسلامی،
انقلابیون را تربیج‌های تو پوک امپریالیسم
می‌خواندند؟ چه کسی می‌تواند فراموش کند
که حزب خائن به تودها جنبش‌های انقلابی
خلق کرد، ترک، ترکمن، بلوچ و عرب را
توطئه ارتجاع و امپریالیسم می‌نامید؟ چه
کسی می‌تواند فراموش کند که حزب به
طرفدارانش دستور می‌داد که به صاذه،
خلغالی جلاذ خلق برای کاندیداتوری مجلس
رای دهند؟ چه کسی می‌تواند فراموش کند
که حزب ضد تودها و شرکای اکثریتی (هر
دو جناح) شعار مسلم کردن پاسداران
سرمایه این مزدوران ضد خلقی به سلام
سنگین را می‌داد و دیوارهای شهر را با
آن سیاه می‌کرد؟ چه کسی می‌تواند
ضیج‌های دلخراش رهبری 'حزب' در طی
مصاحبه‌های تهوع‌آور رادیویی و شوهای
نفرت‌آور تلویزیونی که استغاثه کثان از
آستان جمهوری اسلامی طلب مغفرت و
بخشش می‌کردند را به دست فراموشی
سپارد. اپیدئولوگ‌ها و مغزهای پرچستنی
'حزب' امثال طبری‌ها و کیانوری‌ها

سیاست اصولی خدمت به رژیم را حتی در زندانهای رژیم دنبال کردند و صادقانه!! برای ارشاد جوانان گول خورده به اسلام کمر همت بستند!!

اگر حزب توده خائن با رقصیدن به دور کیک تولد ۴۵ ساله، خیانتهای خود را فراموش شده می انگارد اما از آنجا که این خیانتها که در تداوم منطقی خیانتهای تاریخی این 'حزب' در گذشته صورت گرفته، بر سینه تک تک کارگران و زحمتکشان و مبارزین و انقلابیون طرفدار آنان نگاشته شده اند نه تنها هیچ گاه به دست فراموشی سپرده نخواهد شد، بلکه منتظر چرخشهای خفانت آمیز آتی خواهند بود.

حزب خائن به توده ها به انسجام درونی خود پیوسته می ماند و به راستی باید اذعان کرد که 'حزب' نه از نظر تشکیلاتی بلکه از نظر ایدئولوژیکی یعنی در خیانت به منافع کارگران و زحمتکشان و بی اعتقاد به نیروی آنان و متکی به بالابها پیوسته منسجم بوده است. و بدین جهت است که با اولین فشار مختصر پاشنی چکمه های جمهوری اسلامی بر گردن 'حزب'، 'انسجام' تشکیلاتی که 'حزب' پیوسته به آن بالیده است به از هم گسیختگی محض تبدیل شد و رهبران 'حزب' هر یک با اعتراف به خیانت ۴۰ ساله 'حزب'، گناه خیانتها را به گردن دیگری انداختند. با به اسارت کشیده شدن برادران توده ای توسط برادران هم تسبیح، یک باره همه چیز ۱۸۰ درجه تغییر می کند. کافه نشینان ترقه باز سهاکل دیروز و تربچگان تیز و تند و تو پوک

امپریالیسم امروز یک باره انقلابی می شوند و ... و بدین وسیله در حالی که هنوز طنین نفیر مصاحبه های رادیو تلویزیونی رهبری 'حزب' گوشها را آزار می داد، 'حزب' خرقی حمایت از رژیم را با لباس 'مخالفین' ظاهرا عوض می کند و سیکل کذابی را تکرار می کند.

اما غائله تنها به اینجا ختم نشد. زمانی که کارنامه ی سوابق درخشان 'حزب' و مصاحبه ها و شواهد رهبران 'باسابقه ی' 'حزب' کوس رسوایی 'حزب' را در هر کوی و برزنی به صدا در آورد ایرج اسکندری، بابک امیر خسروی، فریدون آذر نور از جمله بازماندگان و وارثان رهبری 'حزب' که خود تا دیروز از بانیان سیاستهای 'حزب' و از تایید کنندگان آن بودند برای دمیدن روحی در کالبد بی جان 'حزب' و تحمیل توده ها به منظور جلب حمایت آنان، تحت لوای جناحی به اصطلاح رادیکال ظاهرا به مخالفت با خاوری دبیرکل جدید 'حزب' بر می خیزند و برای 'نجات حزب' زرگر مآبانه دست به افشاگری و 'انتقاد' نه به سیاستهای 'حزب' بلکه به رهبری 'حزب' می زنند و از 'حزب' انشعاب می کنند تا مرده را جویی دیگر زنند. و باز هم انتقاد آنها از رهبری 'حزب' به خاطر خیانتهای 'حزب' به منافع کارگران و زحمتکشان نیست بل به خاطر تنها به خود اختصاص دادن کلیهی سهام رهبری و محروم و بی نصیب ساختن آنها از موهبت رهبری خیانتهای جدید. انتقاد و افشاگری آنان از رهبری 'حزب' مماشات و مورد معامله قرار

دادن منافع توده ها با حیات ننگین خود نیست بلکه مجددا به هیات دبیری گماردن صفری که به اصطلاح در پلنوم ۱۷ 'حزب' اخراج شده بود، سپردن رهبری سیاسی 'حزب' به دوستان قدیمی خاوری امثال رادمنش و نوروزی می باشد.

بگذار پهلوان صادق!! حزب توده چشمان خود را صادقانه!! به روی گذشته ی ننگین 'حزب' ببندند و از اصول 'حزب' حرف بزنند و به نام توده ها علیه توده ها مبارزه کنند. ولی توده ها که عادل ترین قضات تاریخند، خیانتها و ضربات جبران ناپذیری که این 'حزب' در طی این ۴۵ سال سابقه ی به اصطلاح مبارزاتیش به جنبش و طبقه ی کارگر وارد نمود را هرگز فراموش نخواهند کرد. بر کلیهی نیروهای مبارز و انقلابی است تا در هر لباسی این خائنین را افشا نموده و از نفوذ آنها در کلیهی تشکلهایی که به نحوی با خواسته های به حق توده های تحت ستم ایران در آمیخته است جلوگیری نمایند. هشدار به نیروها و جریاناتی که از گذشته ی این 'حزب' عبرت نگرفته اند و سعی در توهم پراکنی و پا گذاشتن جای پای این لاشه ی متعفن می کنند.

مرگ پر خائنین و سازشکاران،
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی،
برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق،
زنده باد سوسیالیسم.

انجمن دانشجویان ایرانی در مونترال
هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
(اکتبر ۱۹۸۶)

در گذشت
یک توده ای
و هادار



این مکان مبارزه ی آزادیست
لست جان من بفرستد و آزادی را

مروم

حفظ نشریات حزب توده ایران فقط بسود
انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است
نشریات حزب توده ایران با همکاری و سرپرستی از انقلاب و جمهوری اسلامی
ایران دلاور کرده اند و دفاع خواهند کرد

حزب ما تون پای خود و ولایتی مقدس از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می شناسد

راه
توده

نزدیکی اتحادیه میهنی کردستان عراق با رژیم جمهوری اسلامی

سیر تحولات در کردستان، از آنجنان سرعتی برخوردار است که سازمانها و جریانهایی که حتی تا چندی پیش خود را مدافع منافع خلق کرد نشان می دادند، امروز، به صورت بازچیه و عامل مستقیم دولتهای منطقه، به سرکوب نیروهای مبارز خلق کرد دست می زنند. از مهم ترین تحولات یک سال اخیر باید از موضع گیری علنی اتحادیه میهنی کردستان در حمایت و همکاری آشکار با نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی نام برد. اتحادیه میهنی که در سال ۱۹۷۵، در اعتراض به روابط ویژهی ملامصطفی بارزانی با رژیم دیکتاتوری شاه شکل گرفت، امروز خود در "عملیات مشترک" با پاسداران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به نیروهای انقلابی ایران حمله می کند. ما با بررسی کوتاهی از تاریخچه ی اتحادیه میهنی، خواهیم کوشید گسترش روابط جمهوری اسلامی با اتحادیه میهنی را تعقیب کنیم و عواقب خطرناک این وابستگی برای نیروهای مبارز خلق کرد را ارزیابی کنیم.

اتحادیه میهنی کردستان عراق در سال ۱۹۷۵، با اتحاد ۲ سازمان کرد و در اعتراض به سازشکاری و عقب نشینی بارزانی خصوصاً پس از معاهده ی الجزایر بین دولتهای ایران و عراق، تشکیل شد.

پناغندگان سیاسی کرد، در اروپا سوریه و لبنان، که از مدتها پیش به مخالفت با سرسپردگی و همدستی بارزانی با رژیم شاه برخاسته بودند، کمیته ی مقدماتی اتحادیه میهنی کردستان عراق را به رهبری جلال

طالبانی بنیاد گذاشتند. در کردستان نیز، دو جریان سیاسی کومله و جنبش سوسیالیستهای کردستان آمادگی خود را برای تشکیل سازمان جدیدی اعلام کردند. کومله یک سازمان مخفی مارکسیست - لنینیستی بود که در ۱۰ ژوئن ۱۹۷۰ تشکیل شده بود. این جریان با سیاستهای ورشکسته ی حزب دموکرات کردستان عراق (قیاده ی موقت) مخالف بود و علیرغم ارتباطهایی با حزب کمونیست عراق، مستقل از این حزب شکل گرفت.

جنبش سوسیالیستهای کردستان به همت یکی از اعضای قدیمی حزب دموکرات کردستان عراق به نام علی عسکری پایه گذاری شد. او به همراه ابراهیم احمد و جلال طالبانی از جمله کسانی بود که در سال ۱۹۶۴ در اعتراض به رهبری عشیرتی بارزانی، از حزب دموکرات کردستان عراق جدا شده بودند. به غیز از عسکری، رسول مه مند، خالد سعید و عمر مصطفی نیز در تشکیل جنبش سوسیالیست کردستان سهم بودند. این جریان از آغاز شکل گیری، با جلال طالبانی که در آن زمان، در دمشق بود، تماس داشت.

در اوت ۱۹۷۷، جلال طالبانی و رهبری کمیته ی مقدماتی اتحادیه میهنی کردستان وارد منطقه ی کردستان عراق شدند تا به همراه کومله و جنبش سوسیالیست کردستان، کنکوهی موسس اتحادیه میهنی کردستان عراق را برگزار کنند.

رهبری اتحادیه میهنی، که شاهد تجربه ی ورشکستگی و بی حیثیتی قیاده ی موقت در میان خلق کرد بود، ادعا

می کرد می خواهد با ادامه ی سیاست مستقل و انقلابی کرد، لطمات ناشی از سیاستهای قیاده ی موقت را جبران کند. با این همه در سال ۱۹۷۹، در پی سرنگونی رژیم شاه، جلال طالبانی امیدوار بود از طریق دولت سوریه (که از مدتها قبل در ارتباط با رهبری اتحادیه میهنی قرار داشت)، روابط دوستانه ای با رژیم جمهوری اسلامی ایجاد کند. اما از آنجا که رژیم خمینی، جریان ارتجاعی قیاده ی موقت را متحد مناسب تری تشخیص می داد چنین روابطی بین رژیم ایران و جلال طالبانی شکل نگرفت. با افشا شدن چهره ی سرکوبگر رژیم خمینی در انظار عمومی و شروع جنگ ایران و عراق، اتحادیه میهنی کردستان بر علیه این رژیم اتحاد موضع کرد و عملاً به حمایت از نیروهای انقلابی ایران مستقر در منطقه ی کردستان پرداخت.

در همین سال، رسول مه مند که با جلال طالبانی اختلاف داشت، به همراه عوادارانش، جنبش سوسیالیست کردستان را ترك کرد. این انشعاب موقتاً باعث تضعیف موقعیت جنبش سوسیالیست کردستان شد. رسول مه مند بعدها از موسسان حزب سوسیالیست کردستان عراق شد که به کشورهای ایران، سوریه و لیبی وابسته است.

در حال حاضر اتحادیه میهنی، از دو جریان عمده ی اتحادیه ی انقلابیون کردستان به رهبری دکتر فواد، و کومله ی رنجبران به رهبری نوشیروان، تشکیل می شود. اتحادیه ی انقلابیون کردستان خود، از وحدت جنبش